

نفوذ بوستان در شاهنامه

کسانی که شاهنامه فردوسی و آثار سعدی را با دقت مطالعه کرده اند، دریافته اند که شاهنامه فردوسی از نظر لفظ و محتوی و موضوع حکایات و برداشتها و بینشها و مضامین اخلاقی بر آثار سعدی و بویژه بر بوستان او تأثیر بسیار بزرگی گذاشته است. ولی آنچه تاکنون کسی به آن نرسیده است، عکس آن، یعنی نفوذ بوستان بر شاهنامه است. چرا که میان درگذشت فردوسی و تولد سعدی دو قرن فاصله است. بنابراین چگونه ممکن است بوستان در شاهنامه نفوذ کرده باشد؟ ولی در ایران هیچ ناممکن نیست:

در شاهنامه در سرگذشت ایرج آمده است که پس از آن که برادران او سلم و تور از این که فریدون در تقسیم گیتی، بهترین بخش آن، یعنی ایران را به ایرج داده است، کینه برادر را به دل می گیرند، ایرج با وجود مخالفت پدر نزد برادران می رود تا از آنها دلجویی کند و بگوید که حاضرست از سهم خود به سود آنها چشم پوشی کند. ولی غافل از این که آنها نقشه کشتن او را کشیده اند، و سلم که بزدل ولی زیرک است، تور را که دلیر ولی ابله است چندان بر ضد برادر می شوراند که سرانجام تور با دشنه به برادر حمله ور می گردد و خون برادر را می ریزد.

هنگامی که تور به ایرج حمله می کند، از زبان ایرج در چاپ کلکته آمده است:

میازار موری که دانه کش است	که جان دارد و جان شیرین خوش است
سیاه اندرون باشد و سنگدل	که خواهد که موری شود تنگدل

بیت دوم از فردوسی نیست، بلکه از بوستان سعدی است. سعدی در بوستان در باب

دوم می گوید (تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران ۱۳۵۹، بیت ۱۳۳۰-۱۳۳۳):

چه خوش گفت فردوسی پاک زاد	که رحمت بر آن تربت پاک باد
میازار موری که دانه کش است	که جان دارد و جان شیرین خوش است
سیاه اندرون باشد و سنگدل	که خواهد که موری شود تنگدل

مزن بر سر ناتوان دست زور که روزی به پایش درافتی چومور
از این بیتهای سعدی تنها بیت دوم را از شاهنامه گرفته و بعد خود در دنباله سخن
فردوسی دو بیت دیگر در همان موضوع افزوده است. ولی در دستنویسهای متأخر شاهنامه
بیت سوم را از بوستان گرفته و درون شاهنامه کرده اند.

و اما آن بیتی هم که سعدی واقعاً از شاهنامه گرفته، خود دارای ضبطهای گوناگون
است. در بوستان سعدی بهمین صورتی است که در بالا نقل شد و بر طبق تصحیح مصحح
در دستنویسهای بوستان نسخه بدل ندارد. در شاهنامه این بیت در دستنویس لندن مورخ
۶۷۵ هجری اصلاً نیامده است و در دستنویسهای دیگر هم متفاوت آمده است:

۱- در دستنویس فلورانس مورخ ۶۱۴ و لندن مورخ ۸۹۱ و استانبول مورخ ۹۰۳ در هر
دو مصرع با صورت آن در بوستان اختلاف دارد:

مکش مورکی را که روزی کش است که او نیز جان دارد و جان خوش است
۲- در دستنویسهای استانبول مورخ ۷۳۱ و قاهره مورخ ۷۴۱ مصرع نخستین بگونه‌ای
است که در بوستان آمده و مصرع دوم بگونه‌ای که در آن سه دستنویس دیگر آمده و در
زیر شماره ۱ از آنها یاد شد:

میازار موری که دانه کش است که او نیز جان دارد و جان خوش است
۳- در دستنویس لنینگراد مورخ ۷۳۳ و پاریس مورخ ۸۴۴ و دستنویس بی تاریخ
بنیاد خاورشناسی کاما در بمبئی (از ثلث نخستین سده هشتم) مصرع نخستین با اختلاف
کوچکی (دانه بجای روزی) بگونه‌ای است که در دستنویسهای که در زیر شماره ۱ از
آنها یاد شد آمده است، و در مصرع دوم بگونه‌ای که در بوستان آمده است:

مکش مورکی را که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است
۴- در دستنویسهای قاهره مورخ ۷۹۶ و لیدن مورخ ۸۴۰ و لندن مورخ ۸۴۱ و واتیکان
مورخ ۸۴۸ و لنینگراد مورخ ۸۴۹ و آکسفورد مورخ ۸۵۲ و برلین مورخ ۸۹۴ در هر دو مصرع
عیناً بگونه‌ای است که در بوستان آمده است:

میازار موری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است
چنان که می بینیم در دستنویس فلورانس که مورخ ۶۱۴، یعنی زمان کتابت آن پیش
از بوستان سعدی (تالیف ۶۵۵) است، این بیت در هر دو مصرع بگونه‌ای دیگرست. ولی
پس از آن در دستنویسهای که تاریخ کتابت آنها پس از بوستان سعدی است صورت این
بیت به آنچه در بوستان آمده است نزدیکتر می شود. نخست در برخی از دستنویسها
(شماره ۲) تنها در مصرع نخستین و در برخی از دستنویسها (شماره ۳) تنها در مصرع دوم

برابر صورت آن در بوستان است. ولی سپس در دستنویسهایی که بنسبت جوانترند (شماره ۴) در هر دو مصرع با صورت آن در بوستان یکی است. آیا از این وضعیت چه باید نتیجه گرفت؟

اگر ضبط دستنویس فلورانس را دستنویسهای لندن مورخ ۸۹۱ و استانبول مورخ ۹۰۳ — که اگر چه با دستنویس فلورانس از یک گروه اند، ولی با آن خویشاوند نزدیک نیستند، و اگر چه هر دو جوانند، ولی جزو دستنویسهای بسیار معتبر شاهنامه بشمار می روند —، دقیقاً تایید نمی کردند و همچنین پنج دستنویس دیگر دریکی از دو مصرع با ضبط دستنویس فلورانس همخوانی نداشتند، و ضبط دستنویس فلورانس بکلی منفرد می بود، نمی توانستیم به اصالت ضبط دستنویس فلورانس رای بدهیم، بوژه این که شواهد فراوانی هست که ثابت می کنند بیشتر ضبطهای منفرد این دستنویس اصلی نیستند. ولی در وضعیت فعلی باید چنین نتیجه گرفت که ضبط اصلی، ضبط دستنویس فلورانس است و با احتمال بسیار، سعدی در بوستان در بیت فردوسی تصرف کرده است و سپس هر چه از زمان سعدی دورتر می شویم و بموازات آن به شهرت آثار او افزوده می گردد، صورتی که او گفته بوده شهرت عام می یابد و کم کم به دست کاتبان، جانشین بیت فردوسی می شود، نخسته یکی از دو مصرع و سپس همه بیت. و باز سپستر در دستنویسهای جوانتر، چنان که شرح آن در آغاز این گفتار رفت، یک بیت پس از آن را هم از بوستان گرفته و درون شاهنامه کرده اند. فردوسی گفته است:

مکش مورکی را که روزی کش است که او نیز جان دارد و جان خوش است
و سعدی در آن تصرف کرده است:

میازار موری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است